

● گیلان در قلمرو شعر و ادب

● گردآورنده: ابراهیم فخرایی

● انتشارات طاعتی - رشت

● چاپ دوم - ۱۳۷۷

● ۷۰۰ ص - ۲۸۵۰ تومان

هرگاه که به مناسبتی یادی از نهضت شکوهمند جنگل و سردار بزرگ آن میرزا کوچک جنگلی می‌شود و کلامی به ستایش در مورد این رخداد تاریخی و قهرمان همیشه زنده‌اش برمی‌خیزد نام روانشاد ابراهیم فخرایی نیز بی‌درنگ بر زبان می‌آید و سهمی از آن ستایش و تحسین از آن وی می‌گردد. چراکه فخرایی گذشته از این که از نامداران و کوشندگان نهضت جنگل - به ویژه در بُعد فرهنگی آن - بود در صیف مقدم یاران صمیم و وفادار میرزا هم قرار داشت. به همین خاطر کتاب «سردار جنگل» او، که بی‌هیچ تردید قابل استنادترین کتاب درباره‌ی نهضت جنگل و میرزا کوچک است، ضمن اثبات ادعای پیش گفته، از اقبال چشمگیری - به حق - توانست برخوردار شود و شهرت و اعتباری مانا و ماندگار برای فخرایی به ارمغان آورد.

براساس چنین شهرت و اعتباری است که سخن گفتن از آثار دیگر فخرایی هم ضروری می‌نماید و اهمیت خاصی پیدا می‌کند. از جمله این آثار، واپسین اثر او چاپ دوم و تجدیدنظر شده «گیلان در قلمرو شعر و ادب» است که در برگزیده شرح حال و نمونه آثار ۱۲۴ تن از شعرای متقدم، متأخر، و معاصر گیلان است.

رویکرد فخرایی به شعر و ادب نه بعد از خاموشی خیزش جنگل که سابقه‌ای به وسعت بیش از نیمی از عمر نود ساله‌ی وی دارد. فخرایی در جوانی و حتی در اوج مبارزات هفت ساله جنگل گذشته از مبارزی سرسخت و آشتی‌ناپذیر، فرهیخته‌ای نام‌آشنا نیز بود که در امور فرهنگی گام‌های مفید و مؤثری چون راه‌اندازی مدارس در گیلان برداشت، و در عرصه هنر و

گیلان در قلمرو شعر و ادب

گردآوری: ابراهیم فخرایی

۳۷۰

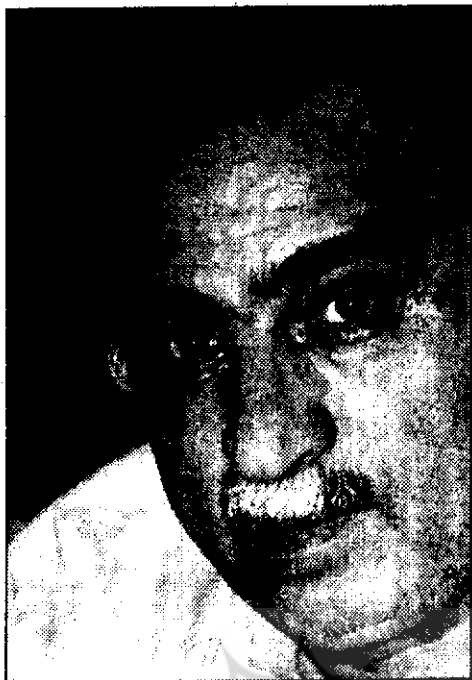
ادب هم به تحریر مقالات ادبی و انتشار نشریه، و نیز به طبع آزمایی در قلمرو شعر پرداخت و آثاری نه چندان اندک از خود منتشر ساخت.

اما آن چه که موجب شد تا فخرایی به گردآوری و عرضی شرح حال و نمونه آثار شاعران گیلان - به صورت مجموعه یا در واقع تذکره - همت گمارد عشق و علاقه‌ی وافر او به زادگاهش گیلان و داشته‌های فخر آفرین آن به ویژه در زمینه هنر و ادب بود:

«منظور از گردآوری این مجموعه، بیان عقیم نبودن گیلان از پرورش استعدادهای شگرف و هنرمندان با ذوق است. افرادی که در مقایسه با معاصران خویش، در سطح بالاتری از دانش و ادب قرار گرفته و سروده‌هایشان نمایانگر درد و رنج و احساساتی است لطیف و شیرین و خوش‌آهنگ». از «دیب‌چاه»ی چاپ اول کتاب ص ۱۸، و چاپ دوم ص ۱۵.

حاصل کار فخرایی در چاپ اول «گیلان در قلمرو شعر و ادب» - دی ماه ۲۵۳۶ (۱۳۵۶) که شرح حال و نمونه آثار ۸۲ شاعر گیلانی است - با آن که مفید می‌نمود اما در مجموع بازتاب چندان مطلوبی نداشت چراکه شمار استعدادهای شگرف هنرمندان باذوق خطه گیلان در عرصه شعر، آن هم از متقدین و متأخرین و معاصرین، این همه اندک نبود. به عبارت دیگر:

همین کاستی که از عدم حضور تعداد کثیری از شاعران گیلانی در مجموعه - به ویژه شاعران جوانی که همان سال‌ها هم نام و عنوانی داشتند - نشأت می‌گرفت نقص عمده‌ای بود که تلاش فخرایی را در انجام کامل مراد و منظورش کم‌زنگ ساخت و آن توفیقی را که انتظار داشت



• محمد تقی صالح بوری

برنیارود.

خود فخرایی پس از انتشار کتاب، به شهادت نامه‌هایی که از مکاتبات با وی نزد نگارنده موجود است، بیش از همه از وجود کاستی و نقص مورد بحث رنج می‌برد و چنان مدام در تب و تاب این رویداد ناطلبیده بود که خورد و خفتش هم از روال عادی خارج و به شدت دچار اختلال شده بود!

بی‌گمان مشغله‌ی فکری فخرایی در سال‌های پایانی عمرش جز این نبود که با کوششی دیگر، شرح حال و نمونه آثار آن دسته از شاعران گیلانی را که در چاپ اول «گیلان در قلمرو شعر و ادب» حضور نداشتند فراهم آورد و در چاپ دوم بگنجانند و سریع انتشارش دهد تا هم با رفع کاستی و نقص چاپ اول، مافات را به نحو شایسته‌ای جبران کند و هم به رنج مدام خویش در رهگذر آن چه که از حاصل کار نخستش رخ گشوده بود نقطه‌ی پایان نهد.

از این روست که می‌بینیم در چاپ دوم «گیلان در قلمرو شعر و ادب» ۴۲ شاعر دیگر نیز به مقدار ۸۲ شاعر چاپ اول افزوده شده و جمع شاعران گیلانی به ۱۲۴ تن رسیده است. با این حال باز هم تعدادی از شاعران گیلانی - متنها این بار نه چندان پر شمار - در مجموعه غایب‌اند و جایشان خالی‌ست که بدون شک عمر فخرایی مجال و کفاف نداد تا به گردآوری شرح حال و آثار آنان پردازد و در نتیجه تذکره‌ای جامع‌تر از آن چه که هست ارائه دهد. نکته‌ی بیان شده البته با همه‌ی تأسفی که از آن برمی‌خیزد از بار مثبت مجموعه چندان

نمی‌کاهد و ارزش‌های در خور درنگش را منکر نمی‌شود.

از نکاتِ دیگر «گیلان در قلمرو شعر و ادب» این که: ۱ - چاپ مجموعه قصه تلخ و جانسوزی دارد که عمده‌ترین بخش آن مربوط می‌شود به اخذ مجوز انتشارش، از وزارت ارشاد. به این شرح ساده‌ا که دقیقاً یک دهه طول کشید تا مجوز آن صادر شود. به عبارت دیگر: مجموعه یک دهه دست به دست متعدد وزارت ارشاد گشت و حتی زمانی سخن از گم شدنش هم به میان آمد و سرانجام پس از پشت سر نهادن کلی مسایل آزار دهنده، در تغییر و تحول بعد از دوّم خرداد، توانست مجوز چاپ بگیرد و منتشر شود.

تاریخ تقریباً بیشتر شعرهای مستدرج در مجموعه از شاعران معاصر، و شرح حال‌ها و عکس‌های قریب به اتفاق این شاعران که کلاً حال و هوا و وضعیت دهی پیشین آنان را نمود می‌دهد، خود به تنهایی روایتگرِ صادقی‌ست از آن قصه جانسوز و حکایت تلخی که بر این مجموعه به خاطر اخذ مجوز گذشت!

۲ - به راستی همت بازماندگان مرحوم فخرایی از یکسو و سختکوشی‌های ده ساله «فریدون طاعتی» - مدیر انتشارات طاعتی (رشت) - از سوی دیگر باعث آمد تا چاپ این مجموعه که شاید تنها آرزوی بزرگ فخرایی را در سال‌های پایانی عمرش شکل می‌داد، ممکن گردد. همت و سختکوشی این عزیزان و سپاس از آنان از نظر دور مباد و بر زبان، ناگفته.

۳ - بهای سنگین مجموعه - که البته هزینه‌های سرسام‌آور چاپ و طبع و نشر، آن را به ناشر تحمیل کرده است - مانع بزرگی‌ست برای بسیاری از علاقه‌مندان در دستیابی به مجموعه. جا دارد ناشر محترم یا چاپ جیبی مجموعه به بهای ارزان‌تر، این مانع بزرگ را از میان بردارد و استفاده از مجموعه را عمومی‌تر کند.

۴ - آنچه که در «گیلان در قلمرو شعر و ادب» بیش و پیش از همه جلوه می‌کند و به چشم می‌نشیند تلاش در خور تحسین فخرایی‌ست در ساماندهی این مجموعه، آن هم به ویژه در سن بالایی که قاعدتاً استراحت برای وی جنبه‌ای حیاتی داشت و گذشتن از آن ایثاری جانانه می‌طلبید.

روانش شاد باد و یادش مستدام.